

چند پاسخ...

● رفیق سی امضا!

۱) ضمن اینکه این آخرین بار است که سئوالی را که امضا شده پاسخ میدهم! باید بگوئیم که بعضی از سئوالها شما در مورد حزب جمهوری و غیره در صفحات چند پاسخ قبلی برخورد شده است.
۲) در ارتباط با مقاله‌ی لیسان در شماره‌ی ۶۵ رهایی سئوال کرده‌اید:

"با توجه به وابسته بودن اروپای شرقی به شوروی و نیز با توجه به موضوع مطرح شده‌ی "انقلاب اجتماعی"، نظر رفقا/همان سرمایه‌داری دولتی بودن شوروی نیست؟"

الزاما خیر. وقتی ما میگوئیم در شوروی و اروپای شرقی باید یک انقلاب اجتماعی صورت گیرد، این الزامی بدین معنی نیست که در این جوامع سرمایه‌داری حاکم است. ما معتقدیم، و اینرا در گذشته نیز بیان داشته‌ایم، که شوروی و سایر جوامع از نوع آن، جوامع سوسیالیستی نیستند و بر آنها نوعی مناسبات طبقاتی است. استثماری حاکمیت. اینکه این مناسبات سرمایه‌داریست یا خیر، اینکه اگر این مناسبات سرمایه‌داری نیست پس چیست و این جوامع چگونه جوامعی هستند امری است که باید تبیین شود. ولی همیشه آبراز می‌داریم این جوامع طبقاتی - استثماری هستند، با این معناست که انقلاب در این جوامع باید دگرگونی مناسبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را هدف خود قرار دهد و نه فقط تغییر مناسبات سیاسی را. و این یعنی انقلاب اجتماعی.

● رفیق حمدا!

نوشتہای:

"لطفا دید خود را از نقش دهقانان در انقلاب و رابطہی پرولتاریا و دهقانان را توضیح دهید... آیا پرولتاریا دارای آنچنان قدرتی است که تنها به انکای نیروی خود، در هر جامعه (حتی عقب مانده) و در هر شرایطی قادر به انجام هر نوع کاری است..."

بیکار در صفحہی چند پاسخ، در شماره‌ی ۵۸ به مسالہی دهقانان و برخورد به آن اشاره کرده‌ایم. در آنجا نوشتیم:

"در جوامعی که پرولتاریا اکثریت را تشکیل نمیدهد و قشرهای وسیعی از زحمتکشان وجود دارند، پرولتاریا در اتحاد با این اقشار بقدرت میرسد و ضمن اینکه دولت خود یعنی دولت دیکتاتور پرولتاریا، پرولتاریا را تشکیل میدهد خواستهای زحمتکشان دیگر را که نرم‌ممکنست دقیقا منطبق بر برنامه‌ی تاریخی تبیین شده‌ی پرولتاریا نباشد، متحقق میکند. بعنوان مثال در این رابطه میتوان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را ذکر کرد که در آن بلشویک‌های بقدرت رسیده برنامه‌ی ارضی را نیز برای دهقانان که خواستشان مالکیت زمین بود به اجرا درآوردند. بنابراین مثال، دولت شوروی دولت دیکتاتور پرولتاریا بود، ولی حکومت، حکومت

زحمتکشان و با این مفهوم اتحاد کارگران و دهقانان بود...

این البته برخوردی کلیست ولی حاکی از خط کلی برخورد با این مسالہ است. با این معنی که پرولتاریا در صورت در دست گرفتن قدرت الزامی بلافاصله برنامه‌ی کامل سوسیالیستی را به اجرا نمیکند بلکه اقدامات دمویکراسیک و سوسیالیستی را تواما و با توجه به تحلیل مشخص از جامعه عملی میسازد.

در مورد بررسی جنبش دهقانی، باید گفت که سازمان ما هنوز دارای انگاسانی که بتواند ابتکار را در سطح وسیع و در جوانب مختلف آن انجام بدهد نیست. امیدواریم این نقطه نیز زمانی برطرف شود.

● رفقا کاوه - ن...

بعد از اشاره به مقاله‌ی گسترش مبارزات کارگری - ان... در شماره‌ی ۶۶ نوشته‌اید:

"جوانمده انتظار دارد وقتی سازمان مبارزہی ایدئولوژیک را حول مسائل مشخص جنبش شوروی میداند، در عمل نیز با حدودی اینکسار را انجام داده باشد. ولی تگاهی به مقالات رهایی کاملا عکس اینرا نشان میدهد.

و سپس به بحثهای راه کارگر و بیکار و رزمندگیمان درباره‌ی شعار افزایش تولید و نیز اعتلای انقلابی، هیات حاکمه و جناحهای مختلف آن، اشاره کرده‌اید و نمس انتقاد از اینکه "رهایی نه تنها تاکنون هیچگونه عکس العملی در مقابل این مبارزات ایدئولوژیک نشان نداده است... از انتشار مقالاتی مثل فدائیان اسلام، نقد لایحه‌ی قمار، عظمت و سقوط شیخ خلیلی، نقد لایحه‌ی باکسازی و غیره تحت عنوان "نسوه نوشته‌های که بی رابطه با مسائل مبارزاتی جنبش هستند انتقاد کرده‌اید.

فکر میکنیم، این ابزارها شما تا حدود زیادی حاکی از بی لطفی است! اولاً که ما بطور مستمر اضر مبارزہی ایدئولوژیک را در دستور کار قرار داده‌ایم. صفحات رهایی از همان ابتدا شاهد نقدهای ما بر حزب بوده. سازمان انقلابی (حزب رنجبران کنونی) راه کارگر، فدائیان، بیکار، رزمندگان و غیره هستند. در مورد جنگ نیز نظر سازمانهای مختلف را بررسی کردیم. البته این درست است که ما تاکنون بحثی بطور مشخص درباره‌ی مثلا شعار افزایش تولید نکرده‌ایم. ولی بحثها و نقدهای ما به سازمانهای مذکور همواره به اساس تفکر و بینش آنها که منجر به طرح شعار افزایش تولید و امثال آن میشود پرداخته‌اند. ما در چندین شماره‌ی سابقا دنگریک "ماورا، چپ را که گسترش موقتی خود را با اعتلای انقلابی جنبش یکسان قلمداد میکند" به نقد کشیده‌ایم و اکنون نیز نگارش آن در مورد تئوری انقلاب را، یعنی ستون فقرات اندیشه‌ی بیکار، آغاز کرده‌ایم.

ثانیا، بحثها و مقالات طرح شده در مورد هیات حاکمه و جناحهای مختلف آن در نشریات دیگر نیز عمدتا در بیان موضع باقی مانده‌اند و ما هنوز بحث تئوریک قابل توجه جدیدی در اینباره مشاهده نکرده‌ایم.

